

بسم الله الرحمن الرحيم

«الهی انطقنی بالهدی و الهمنی التقوی»

یک سلام من می‌دهم، شما هم با من سلام بدهید به کربلایی‌ها! چون عزیزان بحث را بعد از عاشورا می‌بینند:

«السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَ عَلَيَّ الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ عَلَیْكَ مِنِّي سَلَامُ اللَّهِ مَا بَقِيَتْ وَ بَقِيَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ وَ لَا جَعَلَهُ اللَّهُ  
آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَتِكَ السَّلَامُ عَلَيَّ الْحُسَيْنِ وَ عَلَيَّ بَنِ الْحُسَيْنِ وَ عَلَيَّ أَوْلَادِ الْحُسَيْنِ وَ عَلَيَّ أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ»

خوب ما یک بحث منطقی داشته باشیم، هم پاسخ آدم‌های منحرف را بدهیم، که بعضی آدم‌ها، نمی‌دانم یا مریض هستند، یا مشکل فکر دارند. پارسال در یکی از شهرهای مرزی یک کسی گفته بود: بابا حالا حسین عزیز بود، پسر و نوه‌ی پیغمبر بود، یک کار غلطی کردند، او را کشتند. دیگر حالا هزار و چهارصد سال یا حسین! یا حسین! که چه؟ این همانطور که عرض کردم یا مریض است و یا ناآگاه! بحث فنی امروز را گوش بدهید، که بتوانید یک وقتی روی آن حرف بزنید.

دلیل و فلسفه و ریشه‌ی عزاداری! عقل! نقل! از نظر عقل و از نظر نقل!

۱- بزرگداشت شهداء در نزد همه‌ی اقوام و ملل

بسیاری از کشورها یک میدانی دارند به نام سربازان گمنام! خوب یک ده بیست کشورش را من دیده‌ام، کشورهای غربی که اصلاً میدان دارند به نام سربازان گمنام و یک مراسمی هم دارند. چطور شد دنیا... تمام عقلاء می‌فهمند که اگر یک کسی برای کشورش خون داد و جان داد، این را باید یادش را گرمی داشت. حتی آن‌هایی که خدا را قبول ندارند. من رفته بودم به کره‌ی شمالی! موزه‌ی جنگی که آمریکا به آنجا حمله کرده بود، در این موزه‌ی جنگی، یک تنه‌ی درخت سوخته را دیدم، گفتم: این چیست؟ گفتند: درخت مقدس! گفتم: مقدس برای کسی است که ایمان به غیب داشته باشد، کره‌ی شمالی همه‌شان کمونیست هستند، یعنی جز ماده چیزی را قبول ندارند. مقدس برای چیزی است که مادی نیست و معنوی است. گفتند: نه! این درخت بزرگ بود، یک ماشین سرباز زیر آن بود، آمریکا بمب شیمیایی ریخت، این درخت مواد شیمیایی را به خودش جذب کرد، ذغال شد و سوخت، اما سربازان نجات پیدا کردند، چون همه‌ی مواد شیمیایی را به خودش جذب کرد، خودش زغال شد، اما سربازان نجات پیدا کردند، ما این تنه‌ی درخت را تا آخر تاریخ باید نگهداریم. ببینید کمونیست‌های بی‌دین که ایمان به خدا، پیغمبر و وحی و قیامت ندارند، کمونیست‌ها می‌فهمند که اگر کسی سوخت تا جان و فکر کسی را نجات بدهد، آن سوخته قداست دارد. کمونیست‌ها می‌فهمند من نمی‌دانم چرا وهابی‌ها نمی‌فهمند (صدای کوبیدن روی میز). چرا وهابی‌ها نمی‌فهمند و ما را مسخره می‌کنند که عزاداری چیست؟ عزاداری آن چیزی است که بی‌دین می‌فهمد. پس ببینید عرف است در تمام دنیا و حتی کمونیست‌ها... مجسمه‌های کمونیست‌ها را ما دیده‌ایم، مجسمه‌ی نین را ما دیده‌ایم، مجسمه‌ی مارکس را ما دیده‌ایم، مجسمه‌هایشان را در شوروی و کشورهای رومانی و یوگسلاوی و در کشورهای کمونیست‌ها هم ما رفته‌ایم و دیده‌ایم. هر کشوری و هر عقیده‌ای که دارد، اگر به اندازه‌ی یک جو عقل داشته باشد، به بزرگانش احترام قائل است. اینها می‌دانند چه می‌گویند؟ الله اکبر! خدا نکند که انسان یک وقتی کج برود که اگر کج رفت می‌رود، که می‌رود، که می‌رود و چقدر کج می‌رود. اینها می‌گویند: پیغمبر هم که از دنیا رفت، انگار یک سنگ است. می‌گوییم: پس تو مسلمان هستی؟ خدا به سنگ سلام

می‌کند؟ «سَلَامٌ عَلٰی اِبْرَاهِيْمَ» (صافات/۱۰۹) آیهی قرآن است! یعنی سلام بر سنگ؟ «سَلَامٌ عَلٰی مُوسٰی وَ هَارُوْنَ» (صافات/۱۲۰) آیهی قرآن است! یعنی سلام بر سنگ؟ یعنی خدا در قرآن به سنگ سلام می‌کند؟ این چه مخی است که شما دارید؟ از نظر عقل، هر عاقلی در هر کجای دنیا، به بزرگ‌ها...

۲- فرمان خداوند به گرامیداشت یاد پاکان و صالحان

اما از نظر نقل! قرآن می‌فرماید: ای پیغمبر! «وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ اِبْرَاهِيْمَ» (مریم/۴۱) یاد ابراهیم را گرامی بدار. یعنی نگذار تاریخ ابراهیم... اصلاً مکه که می‌رویم، بسیاری از کارهای مکه، رفتارهای حضرت ابراهیم است. گوسفندی که می‌کشیم، بچه‌اش را خواباند، چاقو را گذاشت و گفت: بردار! سنگی که به جای شیطان پرت می‌کنیم، سنگ‌هایی است که حضرت ابراهیم به شیطان پرت کرد. آداب و رسوم مکه، خیلی‌اش از ابراهیم است. ما باید تاریخ ابراهیم را زنده نگهداریم. گم نشود. فراموش نشود. از یک واقفی خوشم آمد، اموالی را وقف کرده بود، نوشته بود: درآمد این وقف را مردم منطقه باید بیایند و پلو بخورند، و این را بدانند و همه را باید بشنوند که این موقوفات چقدر بوده است و درآمدش چقدر است و خرج چه چیزی باید بشود. یعنی همه‌ی مردم باید در جریان موقوفات باشند و یک ساختمان هست، مسجد شهید مطهری، مسجد سپهسالار قدیم، من دیدم که به کاشیکاری‌هایش نوشته است: ۲۴ عدد قلیان، ۳۲ عدد مثلاً دیگ، ۲۸۰ کاسه‌ی مسی آبگوشت‌خوری، چندتا قاشق، چندتا آفتابه، چندتا... یعنی تمام چیزهایی که وقف بوده است، همه را با کاشیکاری نوشته‌اند که از بین نرود. چون به کاغذ باشد، کسی کاغذ را گم می‌کند، حالا البته کاشی هم پایین می‌افتد، باید یک جوری باشد که چیزها ثابت بماند.

۳- پیراهن خونین امام علی در نزد امام صادق (علیهما السلام)

یک خاطره بگویم: امام صادق (ع) مهماندار شد، به مهمانش گفت: می‌خواهی پیراهن علی بن ابیطالب را که پوشیده بود و به مسجد کوفه رفت و شهید شد شب نوزدهم و قطرات خون مغز امیرالمؤمنین به لباس ریخته است، می‌خواهی آن لباس را بیاورم و خون‌ها به آن لباس است؟ گفت: بله! رفتند و لباس را آوردند. معلوم می‌شود که امام صادق (ع) چند نسل این پیراهن را حفظ کرده بود. میراث فرهنگی این است. بنابراین «وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ اِبْرَاهِيْمَ» خوب ابراهیم چه کرد، ابراهیم آماده شد که اسماعیل را بکشد، ولی نکشت! همینکه آماده شد می‌گوید که باید تاریخش زنده باشد. آن وقت امام حسین (ع) آماده شد و شد! یعنی علی اکبرش را فرستاد میدان و شهید شد، ولی ابراهیم اسماعیل را خواباند ولی کشته نشد. تمام پولدارهای کربلای زمین واجب است که به مکه بروند، کنار مکه واجب است یک خیابان ۴۰۰ متری سرپوشیده است که هفت بار بیایند و بروند، سعی صفا و مروه! آن وقت در این ۴۰۰ متر یک ۴۰ مترش را باید با هیجان بروند. می‌گویند این ۴۰ متر، آن چهل متری است که هاجر وقتی به دنبال آب می‌رفته است، این بچه را می‌دیده و با هیجان می‌دویده! می‌دیده که بچه‌اش از تشنگی دارد می‌میرد. بالاخره برای کودک مکه آب پیدا شد، اما برای کودک کربلا آب پیدا نشد. چطور همه‌ی حاجی‌های پولدار، همه‌ی مراجع تقلید، همه‌ی رئیس‌جمهورها، همه‌ی پولدارهای تاریخ باید بروند برای کودکی که آب پیدا کرد، هروله کنند، آن وقت برای کودکی که آب پیدا نشد، هروله نکنیم؟ «وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ اِبْرَاهِيْمَ»

زن هم همینطور است، زینب باید گرامی باشد. «وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ» (مریم/۱۶) به مریم چقدر سخت گذشت؟ مدتی که به مریم تهمت زدند، آخر مریم بدون شوهر حامله شد، وقتی بچه را بغل کرد، قرآن می‌گوید که مردم به او متلک گفتند. گفتند: «يَا اُحْتَّ هَارُوْنَ» مریم! «مَا كَانَ اَبُوكَ اَمْرًا سَوْءًا» پدرت بد نبود. «وَ مَا كَانَتْ اُمُّكَ بَغِيًّا» (مریم/۲۸) مادرت هم زناکار

نبود. تو پدرت خوب بود و مادرت هم خوب بود. این بچه، بی شوهر از کجا پیدا شده است؟ مریم سوخت! گفت: «یا لیتنی میتُ قَبْلَ هَذَا» (مریم/۲۳) کاش مرده بودم و به من تهمت نمی زدند. تا بالاخره گفتند که بچه باید تکلیفش روشن شود، به خود بچه اشاره کرد و بچه در گهواره صحبت کرد. یعنی از زمانی که تهمت زدند، تا مادامی که این بچه گفت که من حلالزاده هستم، چند ساعتی بیش تر طول نکشید، ولی زینب کبری، چند هفته در کوفه و شام مورد تهمت قرار گرفت! اگر بناست و در قرآن می خوانیم «وَ اذْکُرْ فِی الْکِتَابِ مَرِیمَ» ما هم باید بگوییم: «وَ اذْکُرْ فِی الْکِتَابِ زَیْنَبَ» خدا که با شخص حساب و کتاب ندارد. می خواهد بگوید آنهایی که سوختند، آنهایی که یک حرکت تاریخی کردند، در تاریخ موج افکندند، ایجاد خط صحیح کردند، خطی را کویاندند، این مهم است.

#### ۴- ذکر مظلومیت دختر زنده به گور شده مشرک در قرآن

این روضه خوانی ریشه اش چیست؟ قرآن! اول روضه خوان خود خداست، برای چه کسی؟ برای یک دختر کافر! عجب! خدا برای دختر کافر روضه خوانده است؟ بله! شما می دانید که مشرکین، بت پرستان زمان جاهلی، هر کس بچه دار می شد که بچه اش دختر بود، دخترش را در گور می کرد، آیه نازل شد و آن هم با چه لحنی! با چه لحنی! «إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ» (تکویر/۱) وقتی که نور خورشید گرفته بشود! «إِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ» (تکویر/۲) وقتی که نور ستاره ها هم گرفته بشود... یک صلوات بفرستید. «إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ» آنگاه که نور خورشید گرفته بشود! «وَ إِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ» آخر ببینید... «وَ إِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ» (تکویر/۳) کوه ها به حرکت بیفتند، «وَ إِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ» (تکویر/۴) سرمایه ها معطل شود و همه ی مردم ول کنند سرمایه ها را و پا به فرار بگذارند، «وَ إِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ» (تکویر/۵) حیوانات وحشی در دل هم بروند و با هم محشور شوند، «وَ إِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ» (تکویر/۶) آب دریاها جوش بیاید، «وَ إِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ» (تکویر/۷) «وَ إِذَا الْمَوْءِدَةُ سُئِلَتْ» (تکویر/۸) اینها همه اش هم «اذا» است! «اذا» «إِذَا النُّجُومُ»؛ «إِذَا الشَّمْسُ»؛ «إِذَا الْجِبَالُ»؛ «إِذَا الْعِشَارُ»؛ «إِذَا» یعنی اگر! حالا فرض کنید اگر کسی وارد سالن شد، وارد یک مسجد شد، گفت: اگر چنین، اگر چنین، اگر چنین، ده دوازده تا اگر گفت، همه می گویند خوب بگو باقی اش را، چی؟ بعد می گوید: «وَ إِذَا الْمَوْءِدَةُ سُئِلَتْ» (تکویر/۸) «مَوْءِدَةُ» یعنی دختری که زنده به گور شده است! «بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ» (تکویر/۸) به چه گناهی این را کشتی؟ خدا دارد راجع به مظلومیت یک دختر کافر، روضه می خواند! چون دختر مسلمان را که زنده به گور نمی کردند، دختر مشرک بود، ولی چون مظلوم بود، خدا برای مظلوم روضه می خواند. ولو آن مظلوم مسلمان نباشد. این خیلی مهم است. دیگر نگویند آقا این روضه خوانی ریشه اش چیست؟ خداوند در قرآن در سوره ی «إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ» برای مظلوم روضه خوانده است. مظلوم کیست؟ یک دختر مشرک! دختر مشرک است، ولی خوب مظلوم است. مگر به مشرک می شود ظلم کرد؟ مگر به کافر می شود ظلم کرد؟

به امیرالمؤمنین گفتند یک زن یهودی یا یک زن مسیحی طلایی داشته است، از او گرفته اند، فرمود اگر یک مسلمان با غیرت دق کند و بمیرد، جا دارد. یعنی در نظام اسلامی به کافر هم نباید ظلم شود، ما فکر می کنیم که حالا اگر یهودی هستند، یا مسیحی هستند، یا مثلاً فرض کنید مجوسی هستند، صابئی است یا زرتشتی است، ما حق داریم که مثلاً کلک به آن ها بزنیم، این روضه ی خدا برای کافر!

## ۵- ذکر مظلومیت مؤمنان گرفتار در آتش

یک روزه هم برای مؤمنین خوانده است! روزه برای مؤمنین در سوره بروج است. «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» سوره بروج! «قَتِلَ أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ» (بروج/۴) «الْأُخْدُودُ» یعنی دره! مرگ بر اصحاب دره! کفار یک دره درست کردند، مؤمنین را در دره ریختند و سوزاندند! خودشان هم لب دره نشستند و نگاه کردند. خداوند می‌گوید: مرگ بر این کفاری که دره درست کردند و مؤمنین را در این دره سوزاندند و خودشان هم نشستند و تماشاچی بودند! «قَتِلَ أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ» مرگ بر اصحاب دره! «النَّارِ ذَاتِ الْوُقُودِ» (بروج/۵) آتش شعله‌ور را در دره قرار دادند، «إِذْ هُمْ عَلَيْهَا قُعُودٌ» (بروج/۶) خودشان هم بالای دره نشستند. «وَهُمْ عَلَيَّ مَا يَفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ» (بروج/۷) آن کارهایی را که به مؤمنین می‌کردند، شاهد بودند و با چشم‌هایشان می‌دیدند که چطور مؤمنین دارند جزغاله می‌شوند. «وَمَا تَقْمُوا مِنْهُمْ» انتقام از اینها نگرفتند، «إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ» (بروج/۸) فقط جرم اینها دینشان بود. چون دین داشتند، گفتند شما باید بسوزید. پس خداوند در جزء آخر قرآن برای مظلوم روزه خوانده است، چه مظلوم مؤمن و چه مظلوم کافر! اینکه قانون اساسی ما و در جمهوری اسلامی آمده است که جمهوری اسلامی وظیفه دارد از مستضعفین جهان حمایت کند، حالا گاهی وقت‌ها ما یک کمکی که به بعضی از کشورها می‌کنیم، بعضی‌ها می‌گویند: حاج آقا ما خودمان اینهمه دختر بی‌جهازیه داریم، اینهمه پسر عزب داریم، بی‌مسکن، بی‌کار، هزار و یک مشکل خودمان داریم، حالا مثلاً چرا به فلان کشور کمک می‌کنید! آقا جان! قرآن می‌گوید: زکات که گرفتی، تقسیم بر هشت می‌کنی و یک هشتمش برای آن‌هایی است که مسلمان نیستند. آن‌هایی هم که مسلمان نیستند باید شیرینی اسلام را از راه کمک‌ها بچشند.

ریشه‌ی عزاداری چیست؟ عقل = تمام کشورها برای بزرگان‌شان و برای سربازان گمنامشان، میدان و فلکه و مراسم دارند، این برای عقل است. نقل = آیاتی که خدا سلام می‌کند. اصلاً باید حماسه زنده بماند. شما می‌گویید: «تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ» (مسد/۱) بریده باد دست «أَبِي لَهَبٍ» اصلاً أبو لهب که الان نیست. اصلاً أبو لهب مرده و پوسیده و خاک شده است و وجود ندارد. اصلاً نه أبو لهبی هست و نه دستی، تو چه می‌گویی که: «تَبَّتْ يَدَا» دست أبو لهب قطع شود. اصلاً نیست و دستی هم ندارد. ولی شما باید تا آخر عمر تاریخ بگویید: «تَبَّتْ يَدَا» چون ابولهب یک آدم مزاحمی بود، برای پیغمبر کارشکنی می‌کرد، باید این روح و حماسه‌اش همیشه باشد. حماسه باید باشد. حاجی‌ها روز عید قربان سرشان را تیغ می‌زدند. آن‌هایی که سال اول مکه‌شان هست، روز عید قربان باید سرشان را بترشاند، حالا اگر کسی اصلاً سرش مو ندارد، چه کنیم؟ اسلام می‌گوید: یک تیغ بردار، بازهم به آن سرش بکش! یعنی قانون باید حفظ شود. اگر کسی ختنه کرده به دنیا آمد، باز هم باید ختنه‌اش کرد؟ می‌گویند یک تیغ بردار و به محل ختنه‌گاهش بکش که قانون حفظ بشود. بابا اگر سر چهارراه هیچ ماشینی از هیچ طرفی نمی‌آید، باز هم بایستیم؟ بله! باید قانون رعایت شود، ولو از هیچ طرفی ماشینی نمی‌آید، شما می‌بینی، اما باز باید قانون حفظ شود. زن در ماه چند روزی که نماز ندارد، می‌گویند در سجاده‌اش بنشینند، سی بار بگویند: سبحان الله، والحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر! یعنی این توجه به خدا و در سجاده نشستن باید بماند. می‌خواهی پول به فقیر بدهی، می‌گویند خودت به فقیر نده، به بچه ات بده و بچجات به فقیر بدهد. یعنی این کمک به فقیر به یک نسل بعد هم منتقل بشود. ما باید نسل بعد از نسل این را داشته باشیم، وگرنه از حضرت ابراهیم تا ما چند هزار سال است، اما می‌گوید: «وَادْكُرْ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ»، «وَادْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ» تاریخ را باید زنده نگهداشت. حالا!

## ۶- سفارش پیامبر به عزاداری برای حضرت حمزه

در جنگ احد هفتاد و دو نفر شهید شدند، خانه‌های مدینه شروع به عزاداری کردند. پیغمبر فرمود: چرا کسی برای حمزه عزاداری نمی‌کند؟ «فاما [لَکِن] حَمْزَةَ لَا بَوَاقِيَ لَهُ» (بحارالانوار/ج ۴۷/ص ۲۴۸) ببینید ما هر چه عزاداری کنیم... الوهیت، مکه! بند به نبوت است. نبوت بند به شهادت است. می‌گویند کسی مکه برود و مدینه سر قبر پیغمبر نرود، جفا کرده است. کسی اگر برود سر قبر پیغمبر و سر قبر حضرت حمزه نرود، جفا کرده است، این خیلی است. کسی برود مکه و مدینه نرود، جفا کرده است. کسی برود مدینه و سر قبر حمزه نرود، جفا کرده است، یعنی الوهیت، وابسته به نبوت است، نبوت وابسته به شهادت است. خون خیلی حرف دارد. خون خیلی حرف دارد. «نَفْسُ الْمَهْمُومِ لَظْلَمْنَا تَسْبِيحًا» (بحارالانوار/ج ۲/ص ۶۴) آهی که مؤمنین برای مظلومیت ما می‌کشند، آهی که می‌کشند، یا حسین! یا حسین! آهی که می‌کشید، تسبیح است. روایت داریم امام صادق فرمود: آه شما ثواب سبحان الله دارد. اشکی که بر صورت برای عزای امام حسین جاری می‌شود، سبب امان است. امان نامه است این اشک از قهر و سخط الهی! حتی اگر... «جَنَاحِ الذُّبَابِ» داریم «جَنَاحِ الذُّبَابِ» یعنی به اندازه بال یک مگس! اگر کسی گریه‌اش نمی‌گیرد، این معلوم می‌شود که سنگدل است و سنگدلی به خاطر گناه است. گناه که زیاد شد، انسان سنگدل می‌شود. مواظب لقمه‌ها باشید مردم! ای عزاداران! چرا امام حسین را کشتند؟ می‌دانید چرا؟ امام حسین فرمود: شما مرا می‌شناسید، کمبود علمی ندارید، کمبود علمی ندارید، همه‌ی شما خوب مرا می‌شناسید، اما علت اینکه مرا می‌کشید، «فَقَدْ مُلِّتُ بُطُونُكُمْ مِنَ الْحَرَامِ» (بحارالانوار/ج ۴۵/ص ۸) لقمه‌ی حرام در شکمتان است. مواظب لقمه‌ی حرام باشید، بچه‌هایمان فاسد می‌شوند. حدیث داریم: «مَالٌ [كَسْبٌ] الْحَرَامِ يَبِينُ فِي الذَّرِيَّةِ» (کافی/ج ۵/ص ۱۲۴) لقمه‌ی حرام در نسل اثر می‌گذارد. به زرنگی نیست که شما فکر کنی اگر زرنگی کنی، چیز اضافه‌ای گيرت بیاید. گاهی آدم فکر می‌کند که زرنگ است، می‌بیند که صاحبخانه نیست، دو تا باقلوا در حلقش می‌گذارد، می‌گوید: نبودش، دو پرس خوردم. زرنگی؟ بعد دکتر می‌گوید: قندتان بالا رفته است، یعنی خانه‌ی خودت هم حق قند خوردن نداری، یعنی خواستی تیزبازی کنی، از یک جایی کمش گذاشتی! مواظب لقمه‌هایتان باشید. لقمه‌ی حرام نخوریم. حالا!

تاریخ عزاداری! درباره‌ی عزاداری، ۴۶ مورد حدیث در جلد ۴۴ بحارالانوار داریم، جلد ۴۴، ۴۶ حدیث داریم، که نقل می‌کند که انبیاء قبل از امام حسین، برای امام حسین گریه می‌کردند، خوب!

در جلسه‌ی قبل گفتیم امام صادق به جعفر بن عقیل، شاعری بود گفت: شنیده‌ام که شعر می‌گویی، گفت: بله! گفت: بخوان برای امام حسین (ع)! حدیث داریم امام وقتی گریه می‌کرد، صدایش از خانه به خانه‌ی همسایه‌ها می‌رفت. خدا رحمت کند امام را، خدا رحمت کند کوثری را، آقای کوثری می‌گفت، من عاشورا که می‌آمدم برای امام روضه بخوانم، امام می‌گفت: من باز هم می‌خواهم گریه کنم. به او بگو بیاید یک روضه در اتاق خصوصی بخواند. می‌گفت: آنجا که روضه خواندم، امام نعره می‌کشید. نعره هم دارد.

## ۷- واقعه عاشورا، واقعه‌ای بی‌نظیر در تاریخ بشریت

ببینید، در طول تاریخ هیچ مهمانی دوازده هزار نامه برایش آمده است؟ یک مهمان در تاریخ پیدا شد که دوازده هزار نامه‌ی دعوت برایش آمد، امام حسین دوازده هزار تا نامه برایش آمد. ما عطشان زیاد داشتیم، اما در طول تاریخ کسی را پیدا کرده‌اید که در بین دو نهر آب عطشان باشد؟ این خیلی مهم است. شهید ما خیلی داشتیم. اما روبروی چشم پدر! مثلاً ما در ایران

می‌گفتیم، زمان جنگ، می‌گفتیم: کربلای ایران! خوب در کربلای ایران، با تانکر آب می‌بردند، در کربلای امام حسین ابالفصل نتوانست با مشک آب ببرد. در کربلای ایران جوان شهید می‌شد اما روبروی چشم پدرش نبود. آنجا روبروی چشم پدرش بود. در کربلای ایران خودشان داوطلبانه می‌رفتند، امام حسین را با دوازده هزار نامه دعوت کردند. در کربلای ایران بنیاد شهیدی پیدا شد که خانواده‌ی شهید را یک سر و سامانی بدهد. آنجا خانواده‌ی شهید را کتک زدند. خیمه‌شان را سوزاندند. اسیرشان کردند. یعنی هیچ وقت و هیچ کسی با کربلا قابل قیاس نیست. بعد هم مشکل امام حسین، مشکل تاریخ نیست. امام حسین داروی درد ماست. الان کشورهای ذلیلی که اسمشان هم کشور اسلامی است ولی همه‌شان از آمریکا می‌ترسند، از یک تشر می‌ترسند. به شما هواپیما نمی‌فروشیم! دارو نمی‌دهیم، محاصره‌ی نظامی، محاصره‌ی اقتصادی، امام حسین همه‌ی مسائل را روز عاشورا حل کرد. گفت: در محاصره‌ی نظامی قرارم بدهید. هفتاد و دو نفر هستیم و سی هزار نفر دورمان را گرفتید. در محاصره‌ی اقتصادی آب خوردن را هم قطع کنید، من زیر بار نمی‌روم. این یعنی امام حسین یک نسخه برای امروز ماست. یعنی نسخه‌ی نجات است، نه تاریخ. آخر فرق می‌کند. یک وقت یک کسی می‌گوید: بله! کربلا یک تاریخی بود و دیگر گذشت!!! نه! کربلا تاریخ نیست، نسخه است. فرق است بین نسخه و تاریخ! تاریخ قصه‌ی یک قوم و ملت است، ساسانیان، اشکانیان، نمی‌دانم آمدند و رفتند و خیلی خوب به ما چه؟ تاریخ... حالا سی و سه پل اصفهان را آجرهایش را از اصفهان آوردند یا از نجف آباد قمشه آوردند، خوب حالا از هر جا آوردند. خیلی مطالب تاریخ... حالا کوه هیمالیا چند متر است؟ حالا چهار هزار متر و یا شش هزار متر! به من چه! بسیاری از تکه‌های تاریخ را اگر بدانیم جایی آباد نمی‌شود و اگر ندانیم جایی خراب نمی‌شود.

#### ۸- قیام امام حسین (علیه‌السلام)، سرمشق قیام علیه ظالمان

تاریخ کربلا ما را نجات می‌دهد. رمز اینکه امام خمینی موفق شد، فرمود: من از کربلا فهمیدم خون بر شمشیر پیروز است. کربلا به ما درس داد. ما از کربلا خیلی می‌توانیم استفاده کنیم. از زیارت خیلی می‌توانیم استفاده کنیم. به همین خاطر به متوکل عباسی گفتند: تو که مسجد می‌سازی، دیگر چرا قبر امام حسین را خراب می‌کنی؟ گفت: در مسجد مردم چرت می‌زنند، کاری به حکومت من ندارد. کربلا که می‌روند، سر قبر امام حسین، مردم هیجانی می‌شوند و من با مردم هیجانی دیگر نمی‌توانم حکومت کنم. یعنی کربلا عامل بیدار شدن است. مردم بیدار شوند، من نمی‌توانم حکومت کنم. مسجد عامل چرت است، البته چرت با آن پیشنمازهایی که خودشان دارند، امسال زمانی که در مکه سه میلیون حاجی نماز جمعه می‌خواندند، غزه گرسنگی می‌خورد. تکرار می‌کنم. در همان زمانی که سه میلیون حاجی مکه بود، غزه گرسنگی می‌خورد. آیا گرسنگی مسلمان‌ها منکر نیست؟ «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» (عنکبوت/۴۵) باید نماز جلوی منکر را بگیرد. پس اگر ما سه میلیون نماز می‌خوانیم، و آمریکا و اسرائیل هر غلطی می‌خواهد می‌کند، پیداست که نماز ما نماز نیست. نماز ما چه نمازی است؟ حمد و سوره‌ی پیشنماز مسجدالحرام که خوب است. حافظ قرآن است، تجویدش عالی است، سنگش مرمر است، آتش زمزم است، بلندگوهایش سالم است، قبله‌اش قطعی است، جمعیتش میلیونی است، مشکل نماز مسجدالحرام چیست، که هم مسجدالحرام نماز سه میلیونی خوانده می‌شود و هم مسلمانان گرسنگی می‌خورند؟ مشکل این است که پیشنمازش امام حسین نیست. پیشنماز اگر امام حسین بود، این نماز... نخ، نخ است، اما این نخ بند به سوزن نیست، و لذا سه تن نخ است و یک دکمه هم نمی‌دوزد. برای اینکه این نخ دنبال یک سوزن نیست. رهبری مشکل دارد. غدیر خم مشکل رهبری را حل کرد. امام حسین

مشکل رهبری را حل کرد. بنابراین، کربلا را هر کس روشنفکتر است باید کربلا را بهتر مطرح کند. عزاداری برای عوام نیست. بالاترین دکترهای تاریخ، بیایند و بگویند: از تاریخ چه پیامی دارید، تا ما از تاریخ کربلا بگوییم. خیلی مهم است. زینب اسیر می‌شود و در شام می‌رود و می‌گوید... **الله اکبر! الله اکبر! الله اکبر!** خواهش می‌کنم همه‌ی ایرانی‌ها این یک کلمه را حفظ می‌کنم. «یا یزید» ای یزید! «إِنِّي لَأَسْتَصْغِرُكَ [قَدْرُكَ]» (بحار الانوار/ج ۴۵/ص ۱۳۴) ای یزید! «إِنِّي» به درستی که من «لَأَسْتَصْغِرُ» صغیر یعنی کوچک! «أَسْتَصْغِرُكَ» تو خیلی پهلوی من کوچک هستی! پیدا کنید در طول تاریخ... یک لنگه کفش به بوش می‌زند، همه‌ی دنیا تکان می‌خورد، آن وقت یک زینب اسیر روبروی چشمش... زینب غیر از اینکه برادرهایش را شهید کردند، دو تا هم جوان داشت که شهید شدند. یک زن! هفتاد دو داغ می‌بیند، برادرها و دو جوانش شهید می‌شوند، اسیر و شکنجه، بعد تازه می‌آید و می‌گوید که: ای یزید! خیلی پهلوی من پست هستی! این خیلی است. ما الان چون این زینب‌ها را ندیدیم، این لنگه کفش برای ما مهم است. چون آدم جگردار ندیده‌ایم، سید حسن نصرالله برای ما مهم است. سید حسن نصرالله و این خبرنگار و اینها یک میلیونیم زینب هستند. زینب کبری از مستحباتش دست نکشید. بلند شد که نماز شب بخواند، نتوانست و افتاد. نه اینکه از واجب دست نکشید، از نماز شب دست نکشید. امام حسین به زینب گفت: زینب جان! در نماز شبت به من دعا کن! چه مقامی یک زن دارد که امام معصوم به او می‌گوید که در نماز شب به من دعا کن! خطبه خواند، خطبه نبود! رگبار بود! با سخنرانی نظام را واژگون کرد. حضرت زینب را به عنوان یک... گریه کنیم برای حضرت زینب مظلوم بوده است و فلان و... نه! نام دخترانمان را زینب بگذاریم. زینب یعنی شجاع‌ترین فرد کره‌ی زمین! تکرار می‌کنم. زینب یعنی شجاع‌ترین فرد کره‌ی زمین! «إِنِّي لَأَسْتَصْغِرُكَ» خیلی پهلوی من پست هستی! «كَيْدُ كَيْدِكَ» (بحار الانوار/ج ۴۵/ص ۱۵۸) هر چه فکر داری تدبیر کن! به خدا پوک هستی! الله اکبر! یک زن اسیر، در مرکز حکومت بنی‌امیه، بنی‌امیه خیلی زور داشت، یک روز معاویه گفت من می‌خواهم چهارشنبه نماز جمعه بخوانم، ببینم کسی جرأت می‌کند که بگوید: امروز جمعه نیست! یک روز چهارشنبه اعلام کرد که می‌خواهیم امروز نماز جمعه بخوانیم، مردم نماز جمعه خواندند و کسی جرأت نکرد به معاویه بگوید: بابا! امروز چهارشنبه است. یعنی در یک نظام خفقان، یک زن اسیر می‌آید و می‌گوید: پوکی! زینب تاریخ است، امروز در دانشگاه‌ها و دانشکده‌ی مدیریت، یک بحثی باز کرده‌اند و می‌گویند: مدیریت بحران! واقعاً ما ندید و بدید هستیم. غصه می‌خورم، مدیریت بحران عصر عاشورا است. زینب کبری مدیریت بحران داشت. تمام دکترهای مدیریت بحران کره‌ی زمین بیایند و از عصر عاشورا نسخه‌برداری کنند، ما خیلی سرمایه داریم. منتها از اینها سطحی می‌گذریم.

خدایا آن به آن بر عذاب کسانی که حق اهل بیت را غصب کردند و ضربه زدند و ظلم کردند، آن به آن بر عذاب آن‌هایی که آگاهانه با علم و عمد ضربه زدند به قرآن و اهل بیت، آن به آن بر عذابشان بیفزای! آن به آن بر معرفت و شناخت ما نسبت به قرآن و اهل بیت و خودت و راهت، شناخت ما را، اراده و مودت و اطاعت ما را بیش‌تر بفرما! نسل ما را اهل بیتی قرار بده! قرآنی قرار بده! مؤمن قرار بده! خدایا شهدای ما را با شهدای کربلا محشور کن! عاقبت ما را ختم به خیر کن! ما را با اولیائت بعد از مرگ محشور و در دنیا که زنده هستیم، در راه اولیائت قرار بده!

«والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته»